درس 38

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
اشعيا
هر يك به نوبت و به طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمتهاي تعيين شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (اشعياء 55، 58، 59، 61)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 بخاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: منابع الهي
مرور: دو به دو مرور كنيد. منابع الهي 2: كلام خدا: مزمور 119:105.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 1:11-36
مقدمه: فصل 9 روميان به ما آموخت كه قصد خدا هرگز اين نبود كه تمامي افراد قوم بني‌اسرائيل را نجات دهد (روميان 9:6، همچنين ر.ش. تثنيه 7:6-10). ارادة خدا هميشه بر اين بوده است كه تنها كساني را كه او حاكمانه برگزيده است، يعني آن كساني را كه به او ايمان آورده‌اند نجات دهد (9:11؛ ر.ش. اعمال 13: 48؛ دوم تيموتاؤس 1:9-10). فصل 10 روميان چگونگي شكست قوم اسرائيل را به ما آموخت. يهوديان سعي كردند كه به عوض آنكه بوسيلة ايمان به مسيح نجات پيدا كنند، با تكيه بر اعمال نيكو و رعايت احكام شريعت رستگار شوند. روميان 11 نشان مي‌دهد كه ارادة ازلي و ابدي خدا در رابطه با اسرائيل و امت‌هاي غير يهودي كاملاً به تحقق انجاميده است. اينك آن تماميت مورد نظر خدا از ميان يهوديان و غير يهوديان نجات خواهند يافت!

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 1:11-36 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1ـ در روميان 1:11-24 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. در نقشة نجات خدا براي انسانها، يك هماهنگي و همكاري جالبي ميان بني‌اسرائيل و امتها به چشم مي‌خورد.

الف) روميان 1:11-10 تصويري ناقص از قوم اسرائيل رسم مي‌نمايد.
1) تصويري ناقص. در زمان پولس رسول، قوم بني‌اسرائيل تصويري از يك ملت گردنكش و نافرمان را در اذهان تداعي مي‌كند. اين امر باعث گرديد تا برخي غير يهوديان نتيجه بگيرند كه خدا اسرائيل را كاملاً طرد كرده است و امتهاي غيريهودي جاي اسرائيل را در قلب خدا تسخير كرده‌اند. ولي پولس رسول نشان مي‌دهد كه اين استنباطِ غير يهوديان كاملاً صحيح نيست و تنها بخشي از واقعيت را شامل مي‌گردد.
2) خدا قوم خود را طرد نكرده است. پولس مي‌گويد كه خدا هرگز قوم خود را ترك و طرد نخواهد نمود. عبارت «قوم خاص خدا» كنايه به آن دسته از بني‌اسرائيل است كه به خدا و مسيح او ايمان

آورده‌اند. دليل محكم اين امر كه خدا قوم خود را طرد نكرده است، اين حقيقت مي‌باشد كه پولس رسول، خود يك نفر يهودي بود. دليل ديگر اين است كه در طي تاريخ اسرائيل، خدا هميشه براي خود بقية وفاداري از اسرائيليان نگاه مي‌دارد كه در مقابل بتها سر خم نمي‌كنند و زانوان خود را در مقابل خدايان خم نمي‌سازند (1:11-4). و دليل آخر اين است كه حتي در عصر پولس رسول نيز خدا از قوم بني‌اسرائيل بقيتي براي خود نگاه داشته بود كه قوم او خوانده شوند.

در طول گذشتة طولاني اسرائيل، خدا بقية وفادار خود را تماماً بخاطر فيض خود انتخاب نموده بود(11:5-6). به همين ترتيب، كار نجات‌بخش او با اسرائيل و اقوام ديگر در آينده نيز ادامه پيدا خواهد كرد. تنها در پايان جهان است كه تصوير نقشة نجات خدا كامل خواهد گرديد.

قوم بني‌اسرائيل درست به اندازة اقوام ديگر به نجات خدا اميدوار مي‌باشند! كما اينكه، در خلال همان سالهاي عهدجديد، بسياري از يهوديان به عيسي مسيح ايمان آورده، نجات يافتند (اعمال 2:41،47؛ 4:4؛ 5:14؛ 6:1،7؛ 9:31،35،42؛ 14:1؛ 17:12) (ر.ش. روميان 1:16؛ 3:30؛ 4:12؛ 5:18-19؛ 7:4؛ 9:6،24،29؛ 10:1،11-13، 16). در هر قرني، بقيه‌اي از يهوديان به عيسي مسيح ايمان آوردند و نجات يافتند (9:27).

3) خدا همة يهوديان را به‌عنوان قوم خود برنگزيده است. البته اين نكته هم صحت دارد كه در طي تاريخ قوم اسرائيل، بسياري از يهوديان در مقابل كلام خدا قلبهاي خود را سخت ساخته بودند. در نتيجه، خدا نيز دل آنها را سخت كرده بود (7:11-10)! به‌عنوان مثال، اين عمل در زمان موسي به وقوع پيوست (تثنيه 29:39-40)؛ يهوديان هم عصر اشعياء نبوت او را خوار شمرده پيام خدا را قبول نكردند (اشعياء 6:9-10)؛ يهوديان عيسي را نپذيرفتند (يوحنا 1:11؛ 5:39-40)، همين امر در زمان استيفان رخ داد (اعمال 7:51-53)، زماني كه يهوديان مسيح و عدالت او را رد مي‌كردند، پولس رسول نيز شاهد يك چنين مخالفتي بود (11: 8ب). آيات 9-10 بر عقوبت افرادي تاكيد مي‌كند كه قلب خود را در مقابل خدا و پيام لطف او سخت نموده‌اند.

درك علت سخت‌دلي اين افراد كار آساني نيست. از يك سو، زماني كه خدا قلب شخصي را سخت مي‌سازد بدان معني است كه خدا با قدرت الهي خويش، فيض خود را به جانب شخصي جاري نمي‌سازد (9:ـ 18). از سوي ديگر «سخت‌دلي» افراد به يك معني نتيجة منطقي بي‌ايماني آنها و مجازات منطقي بي‌ايماني و عدم اطاعت آنان مي‌باشد (ر. ش. 1:ـ 18،ـ 25،ـ 28). بسياري از يهوديان نه تنها در زمان عهدعتيق دل خود را نسبت به پيام انبيا سخت نمودند (ر.ش. عبرانيان 3:7-11؛ متي 21:34-36)، بلكه در عهدجديد با عيسي مسيح و پيغام انجيل مخالفت مي‌نمودند (ر.ش. متي 12:2،7،10،14،24؛ 13:11-15؛ اعمال 7:51). اين يهوديان مي‌كوشيدند كه به عوض رستگاري بوسيلة ايمان به عيسي مسيح و انجيل او، با تكيه به اعمال مذهبي و پيروي از شريعت در نزد خدا عادل شمرده شوند (ر.ش. 9:30-33).

ب) روميان 11:11-15 چگونگي رابطة متقابل ميان قوم اسرائيل و امتهاي غير يهودي را شرح مي‌دهد.

1- خدا اسرائيل را بطور موقت رد نفرموده است، بلكه بخشي از اسرائيل را طرد كرده است. لغزش قوم بني‌اسرائيل و نپذيرفتن عيسي مسيح و انجيل او، سقوطي كامل و بدون بازگشت نبود (11:11). اين بدان معني نيست كه قوم بني‌اسرائيل براي زماني موقت دچار لغزش شدند و خدا در زماني خاص، بار ديگر امت اسرائيل را بلند خواهد نمود. اين جمله بدان معني است كه تنها بخشي از اسرائيليان دچار لغزش شدند و گروهي از يهوديان نجات خواهند يافت.

مضمون آيات قبلي (1:11-10) در بارة انتخاب بقية وفادار و رد شدن مابقي اسرائيل كه قلب خود را در مقابل خدا سخت ساخته بودند سخن گفت. بنابراين، مبحث كنوني در پيرامون طرد شدن موقتي اسرائيل سخن نمي‌گويد بلكه به طرد شدن بخشي از اسرائيل اشاره دارد. به همين ترتيب، مضمون آياتي كه به دنبال اين قسمت خواهد آمد (11:17-24) نيز پيرامون پيوند شدن يهوديانِ ايمان‌دار به ريشة زيتون سخن مي‌گويند. يهوديان بي‌ايمان از ريشة زيتون بريده باقي خواهند ماند. پس مشاهده مي‌كنيم كه اين بخش در بارة قبول شدن تمامي بني‌اسرائيل سخن نگفته، بلكه پيرامون قبول شدن قسمتي از قوم بني‌اسرائيل يعني آن يهودياني كه به عيسي ايمان مي‌آورند، توضيح مي‌دهد. سقوط ملت اسرائيل موقتي نبود بلكه قسمتي از اسرائيل لغزش خورد؛ لغزش تعدادي از يهوديان به معني اين نيست كه خدا تمام يهوديان را بطور كامل رد نموده و ديگر هيچ فرصتي براي نجات به ايشان داده نخواهد شد.

2- مقايسة مفهوم «طرد شدن بخشي» از اسرائيل با «پذيرفته شدن بخشي» از اين قوم. آيات 12 و 15 هيچيك داراي فعلي نمي‌باشند كه از نظر دستوري زمان جمله را براي ما مشخص نمايد. ولي مضمون جمله مشخص مي‌سازد كه آيات مذكور را بايد در زمان حال درك نمود. اين آيات، به اين منظور نگاشته شده است تا شكست خوردن و طرد شدن بخشي از اسرائيل در زمان پولس رسول و همة قرون و اعصار آينده را با پذيرفته شدن بخشي ديگر از آنها مقايسه نمايد. مضمون آيات پيش (1:11-10) و آيات بعدي اين بخش (11:17-24)، همگي اين حقيقت را نشان مي‌دهند كه پولس رسول در بارة زمان آخر و بازگشت مسيح سخن نمي‌گويد، بلكه مقصود او نشان دادن روند نقشة نجات‌بخش خدا در زمان ظهور عيسي مسيح (زمان زندگاني پولس) و آينده تا زمان بازگشت مسيح مي‌باشد كه در آن موقع، عدد نجات‌يافتگان اسرائيل (11:12) و نجات‌يافتگان غير يهودي (11:25) به پُري و تكامل مورد نظر خدا خواهد رسيد. روميان 11:25-26 به روشني بيان مي‌كند كه اين پُريِ تعداد نجات‌يافتگان از ميان تمامي امتهاي روي زمين (يهودي و غير يهودي) هم‌زمان واقع خواهد شد.

3- ايمان غير يهوديان باعث به غيرت آمدن يهوديان خواهد شد. پولس رسول در خدمت رسالت خود به امتهاي غير يهودي از همين شگرد استفاده مي‌كرد و پس از آنكه با بشارت دادن به امتها باعث به جوش آمدن غيرت يهوديان مي‌شد، از همين طريق برخي را بسوي عيسي مسيح هدايت مي‌نمود (11:13؛ ر.ش. اول قرنتيان 9:19-22). نتيجه اين آيات آن است كه از زمان ظهور عيسي مسيح تا بازگشت او، هرگاه كه يك نفر يهودي دست از بي‌ايمان برداشته، به عيسي مسيح ايمان بياورد نجات خواهد يافت (11:23). پولس رسول به‌روشني بيان مي‌كند كه اسرائيليانِ جسماني از اكنون (يعني از زمان نگارش اين آيات) تا روز داوري بخاطر آن رحمتي كه بر غير يهوديان است، مورد رحمت خدا قرار دارند (11:30-31)

4- نقشة عالي خدا براي نجات بشر اين است كه امتهاي غير يهودي جدا از يهوديان نجات پيدا نكنند و نه اينكه يهوديان جدا از امتها طعم نجات را بچشند . ترجمه: «اگر ردّ شدن ايشان (باعث) مصالحت عالم شد، (چقدر بيشتر) باز يافتن ايشان (نجات يهوديان) خواهد شد» (11:15). طرد شدن بخشي از يهوديان باعث شد كه عالمي نجات پيدا كنند. با مطالعة اعمال 13:44-48 و 28:23-28 متوجه مي‌شويم كه چگونه نافرماني مكرر يهوديان سبب شد كه انجيل نجات به امتهاي غير يهودي بشارت داده شود. نتيجة اين نافرماني يهوديان اين بود كه امتهاي زيادي بوسيله شنيدن پيام انجيل و بوسيله ايمان به عيسي مسيح با خدا مصالحه نمايند و بخاطر آشتي‌شان با خدا، با ايمانداران اسرائيلي آشتي و صلح نمايند (افسسيان 2:11-22؛ 3:2-6). در سايهٔ پيش‌داني و نقشة عظيم خدا، نجات امتها باعث حسادت مكرر يهوديان خواهد شد (11:13-14) و از اين طريق بسياري از يهوديان نيز به عيسي مسيح ايمان خواهند آورد و نجات خواهند يافت (11:31). زماني كه يهوديانِ سخت‌دل شده از گناه، تغيير عظيم امتها را مشاهده كنند، از سر حسادت بسوي عيسي مسيح خواهند آمد و با ايمان به او نجات پيدا خواهند نمود. حزقيال نبي (حزقيال 36:25-27؛ 37:14)، خداوند عيسي مسيح (لوقا 15:24، 32) و پولس رسول (افسسيان 2:1،5؛ 5:14) همه اين امر عظيم را با قيامت مردگان تشبيه مي‌كنند.

ج- روميان 11:16-24 چگونگي انجام نقشة نجات به‌واسطه قدرت حاكمانة خدا را شرح مي‌دهد.
در اين آيات، پولس رسول لبة تيز بحث را متوجة غير يهوديان (ر.ش. آية 13) مي‌سازد مبادا ايشان در درك نقشه نجات خدا جهت يهوديان (قوم پولس، آية 13) دچار سوءتفاهم شوند. خدا با پدران بني‌اسرائيل يعني ابراهيم، اسحاق و يعقوب عهد بسته بود. خدا به پدران بني‌اسرائيل فرمود كه او خداي آنها خواهد بود و ايشان تا به ابد قوم او خوانده خواهند شد. بي‌ايماني و سخت‌دلي گروهي از اسرائيليان در طي قرنها، قدرت ندارد نقشة خدا و عهد جاوداني او را با پدران قوم بني‌اسرائيل و ايمان‌داران يهودي تبار عقيم گرداند.

1- نوبر به‌عنوان نمايندگان مقدس . خاصيت نمايندة مقدس اين است كه كساني را كه با ايمان به او پيوند زده باشند، مقدس خواهد كرد (ر.ش. 5:16-17). ترجمه: «اگر نوبر (يعني نوبرِ خميرمايه) مقدس باشد، تمام خمير را مقدس خواهد ساخت؛ و اگر ريشه مقدس باشد، شاخه‌ها مقدس خواهند بود» (11:16). هر دو اين مثالها يك حقيقت را به تصوير مي‌كشند. بني‌اسرائيل از آرد نوبر غلة خود نان مخصوصي درست مي‌كردند و آن را به خداوند تقديم مي‌نمودند (اعداد 15:17-21). به اين ترتيب، با تقديم كردن نوبر محصول زمينشان به خدا، تمامي محصولشان را تقديس مي‌نمودند. زماني كه كسي يا چيزي تقديس مي‌شود، آن شخص يا شيئي براي كار خدا وقف مي‌گردد. پس مقدس يعني جدا شده از كارهاي معمولي و وقف شده به خدمت خدا. اسرائيليان با وقف كردن نوبر زمينشان به خدا، در حقيقت تمامي محصول زمين را هديه‌اي از جانب خدا و براي كار خدا مي‌انگاشتند و به اين شكل، مراتب سپاس و شكرگزاري خود را براي زمين و محصول آن به حضور خدا تقديم مي‌نمودند.

2- ريشه به‌عنوان نمايندة مقدس. به همين ترتيب، تمام شاخه‌هايي كه با ريشة درخت در ارتباط هستند، در حيات درخت نيز سهيم مي‌باشند. اگر ريشه مقدس باشد، شاخه‌هايي كه به آن ريشه متصلند نيز مقدس مي‌شوند. مقصود از زيتون نيكو يعني درخت پُرثمر، قومي است كه در عهد و پيمان مقدس با خدا بسر مي‌برند (11:24، ارميا 11:16-17). ايمان‌داران، شاخه‌هاي اين درخت زيتون نيكو مي‌باشند. منظور از ريشة زيتون مقدس عهدي است كه خدا با پدران ايمان‌دار قوم بني‌اسرائيل (11: 28) بست و ريشه مقدس در حقيقت عيسي مسيح مي‌باشد (ر.ش. غلاطيان 3:16)! عيسي مسيح ضامن عهد خدا با ابراهيم و پدران بني‌اسرائيل (عبرانيان 7:22) و متوسط (واسطه) عهد نيكوتر (عبرانيان 8:ـ 6) است. زيتون برّي (وحشي) و بي‌حاصل، تصويري از امتهاي بي‌ايمان و جسماني است. شاخه‌هاي زيتون برّي نماد ايمان‌داراني است كه از پيشينة غير يهودي به عيسي ايمان آورده‌اند. منظور از ريشه‌هايي كه به ريشة مقدس متصل شده‌اند، ايمان‌داران به عيسي مسيح مي‌باشد. آنها خود را براي كار خدا جدا نموده‌اند (ر.ش. اول پطرس 2:9-10). مهم نيست كه اين شاخه‌ها در ابتدا به چه نوع زيتوني (وحشي يا نيكو) تعلق داشتند، هر كس كه به عيسي مسيح ايمان آورد چه يهودي و چه از ميان امتها، به ريشة مقدس وصل مي‌شود. ايشان بوسيله ايمان در عيسي مسيح و در قوم وعده پيوند گرديده‌اند. اينك ايشان (ايمان‌داران يهودي و غير يهودي) در اتحاد و برابري كامل با يكديگر مشاركت دارند (10:12-13؛ غلاطيان 3: 28؛ افسسيان 2:14-18؛ كولسيان 3:11-12). يهوديان و امتهايي كه به عيسي مسيح ايمان نياورند،

از عهد منقطع و به دور افكنده خواهند شد (ر.ش. متي 8: 11-12؛ 21:42-44). قوم وعدة خدا متشكل از يهودياني ايمان‌دار عهدعتيق و ايمان‌داران تمامي ملل و اقوام در عهدجديد مي‌باشد. قوم خاص خدا اينك همان كليسا يا بدن مسيح است.

3- سختي مهرباني خدا . يهودياني كه متعلق به قوم اسرائيل و عهد خدا هستند، يعني به عيسي مسيح ايمان نمي‌آورند و از او اطاعت نمي‌كنند، از نجات محروم خواهند گرديد. به همين ترتيب، يهودياني كه در نافرماني و بي‌ايماني خود اصرار نورزند و به عيسي مسيح ايمان آورده از او اطاعت نمايند، نجات خواهند يافت. اين مهرباني و سختي خدا كه نسبت به يهوديان ابراز شده است (ر.ش. ارميا 18: 5-12) شامل حال امتهاي غير يهودي هم خواهد گرديد. امتهاي غيريهودي نبايد فراموش كنند كه خدا عهد خود را با ايمان‌داران اسرائيل منعقد ساخته بود (ر.ش. 1:16؛ ر.ش. متي 10:5-6). عيسي مسيح همة انسانها را به نجات و توبه دعوت نمود (ر.ش. متي 28:19). ريشة زيتون، كه مظهر عيسي مسيح و پداران قوم بني‌اسرائيل و مواهب عهد خدا با قوم بني‌اسرائيل مي‌باشد، اينك تمامي شاخه‌هاي متصل (چه يهودي و چه غير يهودي) را حمايت و تغذيه مي‌كند. شرط لازم و كافي براي اتصال به ريشة مقدس، ايمان به عيسي مسيح است و يهوديان و امتهاي غير يهودي تنها بوسيله ايمان، به زيتون نيكو و عهد مقدس خدا متصل خواهند شد و نجات خواهند يافت.

كشف 2ـ در روميان 11:25-32 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. در نقشة خدا، تعداد مورد نظر خدا (عدد كامل يا پُري يهوديان و غير يهوديان)، نجات خواهند يافت.

الف) سِرّ اين است كه ميراث امتهاي ايمان‌دار كاملاً مساوي با يهوديان ايمان‌دار خواهد بود. روميان 11:25-32 رابطة ميان «پُري امتها» و «پُري يهوديان» را شرح مي‌دهد. رازي كه پولس رسول در آية 25 بدان اشاره مي‌كند، همان نقشة خدا براي نجات بشر در عهدعتيق و عهدجديد مي‌باشد. با عملي شدن نقشة نجات توسط خدا، رابطه‌اي كاملاً جديد ميان يهوديان و امتها برقرار گرديده است. كلمة «سرّ» به معني حقيقتي است كه پيشتر قابل درك نبود و اكنون مكشوف شده است. سِرّ روميان 11:25 همان سرّي است كه پولس رسول در افسسيان 3:2-6 بدان اشاره نموده است. آنچه كه انبياي عهدعتيق نمي‌دانستند، خدا به رسولان عهدجديد مكشوف نمود. او نشان داد كه نقشة نجاتش تنها به يهوديان عهدعتيق منحصر نمي‌شود و بوسيله بشارت انجيل، امتهاي غير يهودي را نيز شامل خواهد گرديد (ر.ش. اعمال 10:24-25). امتهاي ايمان‌دار با يهوديان به‌گونه‌اي مساوي از ميراث خدا بهره خواهند برد. ايشان اعضاي مساوي بدن مسيح خواهند گرديد و از تمامي وعده‌هاي مسيح بهره‌مند خواهند شد (افسسيان 3:2-6؛ ر.ش. دوم قرنتيان 1:20). ايمان‌داران (صرف از نظر از نژادشان)، معبد خدا (دوم قرنتيان 6:16)، اسرائيل خدا (غلاطيان 6:16)، انسان جديدي كه در عيسي مسيح توليد شده است (افسسيان 2:14-18)، و قوم خدا (اول پطرس 2:9-10) ناميده خواهند شد.

ب) سِرّ اين است كه «پُري امتها» و «پُري يهوديان» همزمان اتفاق خواهد افتاد. در روميان 11:25-26، پولس رسول بر اين نكته تاكيد مي‌كند كه پُري امتها و همگي اسرائيل همزمان و در انتهاي تاريخ به وقوع خواهد پيوست. اسرائيل، يا پري اسرائيل (11:12) و همگي اسرائيل (11:26)، بايد تا زمان نجات پري امتها (11:25) صبر كنند و آنگاه نجات خواهند يافت و جزيي از كاملیت قوم خدا خواهند گرديد (ر.ش. مكاشفه 21:3). ايشان (جمع و كنايه از اقوام مختلف) قوم او خواهند بود. در حال حاضر، قوم بني‌اسرائيل چندين فرقه و گروه هستند و احتمالاً بسياري از ايشان نيز از سوي خدا طرد گشته‌اند و بنابراين اسرائيلِ پُر جلال از ظاهرِ امت يهود امروزي ديده نمي‌شود. ولي بايد دانست كه اولاً اين تنها جزيي از تصوير است و آنچه كه به چشم مي‌خورد، تصويري موقتي مي‌باشد. زماني كه پري امتها در آيد، پري اسرائيل هم ظاهر خواهد شد! سرّ اين است كه سخت‌دلي بخشي از اسرائيل تا زمان آخر ادامه خواهد يافت. سپس تعداد مشخصي از بني‌اسرائيل يعني انتخاب شدگان اسرائيل (9:6) ظاهر خواهند گرديد. اين امر همراه با پُري امتها، يعني منتخبين از ميان امتها به وقوع خواهد پيوست. پس بنابراين مي‌بينيم كه سرّ خدا رابطة ميان نجات يهوديان و امتها مي‌باشد. سرّ خدا بيانگر واكنش زنجيره‌اي است كه به نجات مسيحيان يهودي‌تبار و مسيحيان غير يهودي منجر خواهد شد. در روميان 11 مسيحيان يهودي‌تبار، اسرائيلياني هستند كه از سوي خدا ردّ نشده‌اند.

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 11:1-36 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)

(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارهٔ سؤالات ارائه شده است.)

سوال 1. (11:26) معني عبارت «همگي اسرائيل» چيست؟
يادداشتها.

الف) رابطهٔ ميان آيات 25 و 26 . «نجات همگي اسرائيل» خودش سرّ نيست، بلكه عواقبِ سرّ است. اين سرّ چنين مكشوف مي‌سازد كه رابطه ميان رد شدن بعضي از اسرائيليان و نجاتِ پُري امتها آن طريقي است كه توسط آن نجات «همگي اسرائيل» (پري اسرائيل) تحقق مي‌يابد.

ب) عبارت «همگي اسرائيل» را نبايد به صورت تمامي يهوديان سراسر تاريخ درك و تفسير نمود. زيرا كه اين بدان معني خواهد بود كه همهٔ يهوديان، اعم از ايمان‌دار و بي‌ايمان نجات خواهند يافت. اين طرز تفكر باعث ناديده‌انگاري اين حقيقت خواهد بود كه در سراسر عهدعتيق، خدا بارها يهوديان بي‌ايمان و متمرد را به هلاكت و مجازات دوزخ محكوم ساخت (دانيال 12:2؛ متي 8:ـ 12). در روميان 9:27، پولس رسول قاطعانه نجات همهٔ يهوديان را منكر مي‌شود.

ج) عبارت «همگي اسرائيل» به قوم بني‌اسرائيل در زمان آخر محدود و منحصر نمي‌شود. اين عبارت را نبايد مربوط به يهودياني كه در زمانهاي آخر زندگي مي‌كنند منحصر ساخت. زيرا كه اين كار باعث مي‌شود كه ميليونها يهودي را كه پيش از زمان آخر زندگي مي‌كردند را به حساب نياوريم. همچنين اين تصور اشتباه موجب مي‌گردد كه هزاران يهودي ايمان‌دار را كه پيش از زمانهاي آخر زندگي مي‌كردند، به‌حساب نياوريم. از سوي ديگر، اگر تنها بخش كوچكي از اسرائيليان كه در زمانهاي آخر زندگي مي‌كنند نجات خواهند يافت، چگونه مي‌توان اين جزء كوچك را به‌عنوان «همگي اسرائيل» تلقي نمود؟

د) عبارت «همگي اسرائيل» به معني كشور اسرائيل كنوني تلقي نمي‌شود. بر اساس روميان 9:6 هر فرد يهودي نژاد را نمي‌توان الزاماً يك اسرائيلي حقيقي محسوب نمود. پولس رسول در روميان 9 اين نوع استنباط را رد نمود. يهوديان به‌صرف نژادشان جزيي از اسرائيل حقيقي و روحاني محسوب نخواهند گرديد (روميان 2:ـ 28-29) و اين امر تنها بوسيله وعدهٔ خدا، انتخاب او، دعوت الهي و محبت و رحمت او امكان پذير است.

ه) عبارت «همگي اسرائيل» به معني تمامي يهوديان برگزيده در سراسر تاريخ عهدجديد و عهدعتيق است. منظور از همگي اسرائيل، تمام كساني است كه در خلال قرون متمادي جزو بقيهٔ وفادار بودند، بطور مثال: بقيه‌اي وفاداري كه در زمان ايلياي نبي به پيمان خود با خدا متعهد بودند (اول پادشاهان 19:ـ 18)، يا در زمان اشعياي نبي (اشعياء 1:9؛ـ 2:4)، گلهٔ كوچكي كه بدنبال عيسي مسيح حركت مي‌كردند و شاگرد او شده بودند (لوقا 12:32)، بسياري از اسرائيليان كه پيمان خود با خدا را محترم مي‌داشتند (ر.ش. لوقا 2:34؛ ر.ش. اعمال 2:41ـ 47؛ 4:4؛ 6:7؛ 9:31)، بقيهٔ وفادار در زمان پولس رسول (11:5) و به همين ترتيب بقيهٔ وفادار به خدا در طي قرون بعدي تا زمان بازگشت مسيح (روميان 11:23). پولس در بارهٔ تعداد نجات يافتگان سخني به ميان نمي‌آورد ولي مكاشفه 7:9، نجات‌يافتگان را اينگونه توصيف مي‌كند: «گروهي عظيم كه هيچكس ايشان را نتواند شمرد.» قطعاً در ميان اين تعداد عظيم عده‌اي يهودي مومن به عيسي مسيح هم خواهند بود.

سؤال 2. (11:26) چه زماني همگي اسرائيل نجات خواهند يافت؟
يادداشتها.

الف) اين بدان معني «نيست» كه براي «مدت كوتاهي» دلهاي يهوديان سخت خواهد شد و «سپس» همگي اسرائيل نجات خواهند يافت. پولس رسول در آيات 25-26 نمي‌گويد كه اسرائيل موقتاً دل خود را سخت ساخته است تا اينكه پُري امتها داخل ملكوت خدا شوند و آنگاه همگي اسرائيل نجات خواهند يافت. پولس نمي‌گويد كه پس از آنكه كار نجات امتهاي غير يهودي به پايان رسيد، سپس دوره‌اي خواهد رسيد كه در آن تمامي يهوديان توبه كرده، نجات خدا را تجربه خواهند نمود. در هيچ جاي كتاب‌مقدس هيچ اشاره‌اي به اين دوران نشده است كه در آن پس از نجات امتها، تاريخ شاهد توبه و نجات يهوديان باشد. زيرا كه زمان آخر، براي يهود و غير يهودي همزمان فرا خواهد رسيد (متي 13:37-43؛ـ 24:21-31؛ 25:31-33؛ دوم پطرس 3:7-13؛ مكاشفه 20:11-15)!

ب) اين بدان معناست كه بعضي از يهوديان دلهاي خود را سخت خواهند نمود و خدا از اين طريق همگي اسرائيل را نجات خواهد داد. كلمهٔ يوناني را كه پولس رسول در اينجا به كار گرفته است، تنها به يك شكل مي‌توان ترجمه كرد و آنهم «سخت‌دلي بعضي» است. پس نبايد اين عبارت را به صورت «سخت دلي براي مدتي معين» تلقي نمود. به همين ترتيب، ترجمهٔ صحيح كلمهٔ يوناني كه بعد از اين به كار رفته است به قرار زير است: «و همچنين» يا «به همين ترتيب»، و اين كلمه را نبايد به‌صورت «پس از اين» ترجمه و درك نمود. پولس رسول در آيات 25-26 مي‌گويد: «بعضي از افراد اسرائيل دلهاي خود

را نسبت به انجيل سخت ساخته‌اند و اين امر باعث خواهد شد كه امتهاي غير يهودي نجات يابند. پس از آنكه شمار مشخصي از امتهاي غير يهودي نجات پيدا كردند، آنگاه همگي اسرائيل يعني پُري اسرائيل و يا تعداد كاملي از يهوديان نجات خدا را تجربه خواهند نمود.» پولس رسول هيچ اشاره‌اي به زمان مشخصي در آينده ندارد كه در آن يهوديان بطور دسته جمعي توبه خواهند كرد، بلكه او در پيرامون نحوة نجات يهوديان در حال حاضر سخن مي‌گويد. نكتة مهم اين است كه رد شدن بعضي از يهوديان ارتباط تنگاتنگي با نجات امتها و نهايتاً نجات يهوديان دارد. و زماني كه پُري امتها به كمال رسد، درست در همان زمان، پُري يهوديان هم به انجام خواهد رسيد و تمامي ناجيان با هم در نجات خداوند شادي خواهند نمود.

ج) نجات يهوديان در طول تاريخ. منظور اصلي پولس رسول از آيات 11-14 اين نيست كه در پيرامون توبة دستجمعي يهوديان در زمان آخر قلم‌فرسايي كند، بلكه او در بارة توبه يهوديان در طول تاريخ سخن مي‌گويد. پولس رسول خدمت خود را در 11:30-31 اينگونه تشريح مي‌كند كه با رساندن بشارت نجات به امتها، يهوديان را به غيرت مي‌آورد. يعني اينكه يهوديان، اينك بخاطر اينكه امتهاي غيريهودي بوسيله يهود نجات مي‌يابند، به غيرت در آمده، همين غيرت باعث به توبه كشيدن آنها و نهايتاً نجاتشان مي‌گردد. پس مي‌بينيم كه همگي اسرائيل، در خلال قرنها نجات پيدا كرده و عدد كامل نجات يافتگان اسرائيلي به مرور جمع مي‌شوند. آية 23 نبوتي براي زمانها آخر نيست كه فقط مربوط شود به يهودياني كه در زمانهاي آخر زندگي مي‌كنند. بلكه آنچه پولس رسول اعلام مي‌كند، اصلي روحاني است كه بر مبناي آن انسانها، چه يهودي و چه غير يهودي، تنها بوسيله ايمان به عيسي مسيح پس از شنيدن موعظة انجيل نجات پيدا خواهند كرد. روميان 14:11-17 به روشني بيانگر اين حقيقت مي‌باشد. به گفتة پولس رسول، راه ديگري براي نجات يهوديان در زمان حاضر موجود نيست مگر آنكه ايشان توبه كنند و به عيسي مسيح ايمان بياورند. مسير تاريخ نجات بشر در زمان حاضر، يعني زمان ميان ظهور اول عيسي مسيح و بازگشت او، موازي هم پيش مي‌روند. به بياني ديگر، يك راه نجات براي يهوديان و غير يهوديان بيشتر وجود ندارد (روميان 12:10-13). عهد خدا با اسرائيل در عهدعتيق شامل امتهاي غير يهودي مي‌گرديد (پيدايش 12:3؛ ر.ش. اشعياء 56:3-8). ولي بايد دانست كه طريق خدا براي نجات بشر خواه يهود و خواه امتها بوسيله ايمان به عيسي مسيح است (1:16؛ـ 11:23). كتاب‌مقدس به روشني تعليم مي‌دهد كه يهوديان و غير يهودياني كه به مسيح ايمان نياورند نجات نخواهند يافت (2:9؛ متي 8: 11-12؛ 21:42-44). در طي طول تاريخ، ايمان‌داران يهودي و غير يهودي، واحد زنده‌اي را تشكيل داده‌اند كه كتاب‌مقدس آن را با عناويني از قبيل درخت زيتون (11:17-24)، انسانيّت جديد (افسسيان 2:14-18)، بدن (افسسيان 3:6)، و قوم مقدس و برگزيده از سوي خدا (اول پطرس 2:9-10) مشخص ساخته است. و با بازگشت عيسي مسيح، فرصت نجات يافتن براي يهوديان و غير يهوديان يكباره پايان خواهد پذيرفت (متي 25:10-13). نجات بخشي از يهوديان در طول تاريخ يعني تا زمان بازگشت عيسي مسيح، ادامه خواهد يافت. در آن زمان پُري امتها و همگي اسرائيل، با هم و همزمان نجات پيدا خواهند كرد.

سوال 3. (11:26-27) نبوت‌هايي را كه در بارة اسرائيل است، چگونه بايد درك و تفسير نمود؟
يادداشتها.

الف) نبوتهاي عهدعتيق: اين نبوتهاي عهدعتيق در ارتباط با نجات بني‌اسرائيل مي‌باشند. كار نجات‌دهنده اين بود كه گناهان اسرائيل را از ميان بردارد. پولس رسول در روميان 11:26ب به ذكر يك آيه از كتاب‌مقدس نمي‌پردازد، بلكه مجموعه‌اي از نبوت‌هاي عهدعتيق را در اين جمله خلاصه مي‌نمايد.
1- مسيح نجات‌دهنده از صهيون (يعني از طايفة يهودا، ميكاه 5:2، متي 2:6) ظاهر خواهد شد.
2- او به صهيون خواهد آمد (متن عبري اشعيا 59:20؛ ر.ش. متي 5:10-8). و يا او براي (به منظور) برداشتن گناهان صهيون و رفع بي‌ديني از از يعقوب ظاهر خواهد شد (متن يوناني اشعياء 59:20).
3- او با ايشان عهدي خواهد بست (اشعياء 59:20).

ب) تحقق نبوت‌ها. آنچه در اين نبوتهاي عهدعتيق پيش‌گويي شده بود، با ظهور اول عيسي مسيح به‌انجام رسيده و تحقق يافته است. او در بيت‌لحم به دنيا آمد و از اسرائيل ظاهر شد (متي 2:6؛ يوحنا 4:22). او براي گوسفندان گم‌شدة اسرائيل آمد، ولي ايشان او را نپذيرفتند (متي 15:24؛ يوحنا 1:11). او براي نجات اسرائيل از گناهانشان ظاهر شد (متي 1:21؛ـ 10:6؛ لوقا 19:10؛ غلاطيان 4:4-5). و با اسرائيل عهدجديد بست (ارمياء 31:31-34؛ متي 26:28؛ عبرانيان 8: 6-13).
اين نبوتها نشان مي‌دهند كه اين نجات و رهايي الزاماً از دست دشمنان زميني اسرائيل نيست (اين امر در زمان بازگشت عيسي و پيروزي او بر دجال و لشكر او تحقق خواهد پذيرفت؛ مكاشفه 19:19)، بر عكس، اين نجات دهنده، صهيون را از دست گناه و بي‌ديني ايشان خواهد رهانيد. در اين نبوتها، انبياي عهدعتيق آنچه را كه عيسي در ظهور اولش انجام خواهد داد (رهايي اسرائيل از گناه) پيشگويي كرده بودند، نه آنچه را كه در بازگشتش به تحقق خواهد رسانيد (يعني رهايي و نجات قوم خدا از دست دشمنان زميني‌شان). زماني كه عيسي مسيح بازگشت كند، او از صهيون نخواهد آمد، بلكه از آسمان نازل خواهد شد (اول تسالونيكيان 4:16؛ مكاشفه 19:11) و در آن زمان بخشايش گناهان و توبه ديگر ممكن و ميّسر نخواهد بود. پولس رسول در اينجا از مسير اصلي مضمون اصلي رساله به روميان، يعني عدالت به توسط ايمان، منحرف نشده است. بر عكس، روميان 9-11 نشان مي‌دهد كه آموزة عدالت بوسيله ايمان، يك آموزة تاريخي است و ريشه در تاريخ قوم بني‌اسرائيل دارد. رساله به روميان نشان

مي‌دهد كه در طول تاريخ قوم بني‌اسرائيل، خدا هميشه يهوديان را بخاطر ايمانشان و از راه فيض نجات داده و عادل شمرده است (1:4-8؛ 9:25؛ 10: 8؛ 10:16-18). نه تنها خدا در عهدعتيق يهوديان را از طريق ايمان عادل مي‌شمرد، او در زمان پولس رسول نيز اسرائيل را به ايمان نجـات مي‌داد (10:9-15). و تا روز بازگشت عيسي مسيح، خدا كماكان يهوديان را بوسيله فيض خود كـه از طريـق ايمـان حاصـل مي‌گردد نجات خواهد داد (11:23، 26-27). به‌عبارت ديگر، به جز نجات بخاطر فيض و از طريق ايمان، راه ديگري براي نجات يهوديان وجود ندارد.

سؤال 4. (11: 28) يهوديان از يك سو دوستان خدا و از سوي ديگر دشمنان مسيح هستند. چگونه مي‌توان اين دوگانگي طبيعت اسرائيل را درك نمود؟
يادداشتها.
بسياري از اسرائيليان دوستان خدا هستند و البته تعداد كثيري از ملت اسرائيل بـه دشـمني بـا انجيـل ادامه مي‌دهند. مضمون 11:30-31 نشان مي‌دهد كه پولس رسول اسرائيل جسـماني را مخـاطب قـرار نمي‌دهد بلكه روي سخن او با «همگي اسرائيل» مي‌باشد، يعني تمامي كساني كه به عيسي مسيح ايمان آورده‌اند و در نتيجه «اسرائيل حقيقي» را تشكيل مي‌دهند. نامطيعان و دوستان خـدا در حقيقت يـك قـوم هستند، بخاطر رحمت خدا، آناني كه تا ديروز در گروه نامطيعان و دشمنان خـدا بودنـد، اينـك بـه دوسـتان خدا مبدل گرديده‌اند. در تمام طول تاريخ، يهوديان در آغاز امر با مسيح و انجيـل و در نتيجـه بـا مسـيحيان دشمني مي‌ورزيدند. اين امر در مورد امتها نيز صدق مي‌كند. امتهاي غير يهودي هم در ابتداي كار با انجيل و عيسي مسيح و مسيحيان در ستيز و دشمني بودند (ر.ش. 5:9-11). ولي زماني كـه اين يهوديـان توبـه كنند و پيروي از عيسي مسيح را آغاز نمايند، خدا آنها را به دوستان خود تبديل خواهد نمود (ر.ش. 8: 39). بدين ترتيب، خدا دشمنان سابق خـود را «محبوبـان خـود» مي‌خوانـد. خـدا بـدين تـرتيب قـول خـود بـه ابراهيم را عملي مي‌نمايد (پيدايش 22:17-18). براي مثال زندگي پـولس رسـول پيش از ايمـانش را در نظر گرفته (اعمال 26:9-11)، سپس آن را با زندگي بعد از ايمانش (اعمال 26:19-23) مقايسه كنيد.

سؤال 5. (11:29) غيرقابل برگشت بودنِ نعمت‌ها و دعوت‌هاي خدا را چگونه بايد درك و تفسير نمود؟
يادداشتها.
بايد دانست زماني كه پولس رسول مي‌گويد: «در نعمت‌ها و دعوت خدا بازگشتن نيست» ، او در بارهٔ قوم بني‌اسرائيل جسماني سخن نمي‌گويد. محبت خدا اينگونه عمل نمي‌كنـد كـه ابتـدا دلهـاي بسـياري از يهوديان را سخت نموده، سپس در زمانهاي آخر همگي ايشان را نجات دهد.

الف) دعوت بازگشت ناپذير خدا. بر اساس روميان 9، صحيح است كه خدا اسرائيل را انتخاب نمود و به ايشان امتيازات خاصي بخشيد، ولي اين انتخاب و ممتاز شمردن را نبايد با انتخاب‌شدگي كه بـه نجـات مي‌انجامد اشتباه گرفت. آنچه كه غير قابل بازگشتن مي‌باشد، طبيعت دعوت خـدا مي‌باشـد. يعـني اينكـه دعوت خدا تغيير ناپذير است و خدا هيچگاه از دعوت خـود پشـيمان نمي‌شـود. منظـور از دعـوت خـدا در اينجا، همان دعوت موثري است كه به نجات افراد منجر مي‌گردد (8:ـ 28-30؛ـ 9:11). بنابراين، منظـور پولس رسول در از كلمهٔ «دعوت» در اينجا همان دعوتي است كه خدا از بخشي از بني‌اسرائيل بـه عمـل آورده است و در نتيجهٔ آن دعوت، آنها نجات يافته‌اند.

ب) نعمت‌هاي بازگشت ناپذير خدا. به همين ترتيب طبيعت نعمت‌هاي خدا نيز تغيير ناپذير است. مقصود از نعمت‌ها نمي‌تواند امتيازات خاصي باشد كه به قوم بني‌اسرائيل جسماني داده شده بـود (4:9-5)، زيرا اين امتيازات با آمدن عيسي مسيح و مرگ و قيام او از ميـان رفت. پس مقصـود از «نعمت‌هـا» بايد هدايايي باشد كه خدا بوسيله روح خود و بخاطر ايمان به عيسي مسيح در اختيار فرزندان حقيقي خود قرار مي‌دهد، نعمت‌هايي از قبيل: ايمان، اميد، محبت، آرامش و سلامتي كه مافوق عقل اين جهان است، حيات جاوداني و غيره. در اينجا منظور پولس، آن نعمت‌هايي است كه تنها نصـيب ايمـان‌داران مي‌شـود و بس. در آيات 11:30-31، پولس رسول بازگشت ناپذيري دعوت و نعمت‌هاي خدا را با استناد بـه اين حقيقت به تصوير مي‌كشد كه در نهايت امر، همگي انتخاب شدگان يهودي و غير يهودي نجات خواهند يافت.

سؤال 6. (11:32) نافرماني همه و رحمت خدا را چگونه مي‌توان درك نمود؟
يادداشتها.
روميان 11:32 مي‌فرمايد: «زيرا خدا همه را در نافرماني بسته است تا بـر همـه رحم فرمايـد». آيـهٔ 32 با كلمهٔ «زيرا» آغاز مي‌شود و مفاد 11:25-32 را خلاصه مي‌نمايد كه در آن آيـات پـولس رسـول در پيرامون مفهوم «پُـري امتهـا» و «همگي اسـرائيل» سـخن گفت. همانگونـه كـه راه درك صـحيح عبـارت «جميع مردمان» در 5: 18، تنها با توجه به مضمون آن يعني 5:17 امكان‌پذير است، به همين شكل كلمهٔ «همه» در 11:32 را بايد با توجه به مضمون آن يعني 11:25-32 درك نمود. در اين راستا، پولس رسول در بارهٔ همه غير يهوديان و همهٔ افراد يهودي عالم سخن نمي‌گويد. او ادعا نمي‌كند كـه تمـام افـراد بشـر، صرف نظر از ايمانشان به مسيح نجات خواهند يافت. بلكه مقصود او امتهايي كـه انتخـاب شـده‌اند (پُـري امتها) و انتخـاب شـدگان يهـودي (جميـع اسـرائيل) مي‌باشـد. پيش از ايمانشـان و پيش از آنكـه چشـمان باطني‌شان به روي حقيقت انجيل باز شود، اين افراد يهودي و غير يهودي در زندان نافرمـاني و بي‌ايمـاني بسته شده بودند. آنها بي‌ايمان بودند (3:23) و هيچ كدامشان عادل نبودند (3:10). همگي آنها محكوم بـه

«قصاص» بودند (5ـ 18). ولي بخاطر موعظة انجيل، عدالت خدا آشكار گرديد (1:16-17) و خدا با فيض خود ايشان را مشمول رحمت خود نمـود و از طريـق ايمـان آنهـا را عـادل محسـوب نمـود (3:24؛ 5:17-18).

سؤال 7. (11:33-36) پولس در سرود شكرگزاري خود چه حقيقتي را بيان مي‌كند؟
يادداشتها.
روميان 11:33-36 سرودي پرستشي است. پولس رسول با تعمـق پـيرامون محبت و نقشـة نجـات خدا، يكباره شروع به ستايش كبريايي و بلندي علم و حكمت خدا مي‌نمايد.
الف) پولس رسول به طور خاص در بـارة آيـات 25-26 و 30-32 سـخن مي‌گويـد. اين آيـات بيـانگر رابطة دروني و متقابل نجات يهوديان از يـك سـو و نجـات امتهـاي غـير يهـودي از سـوي ديگـر مي‌باشـد. همچنين اين آيات نشان مي‌دهند كه چگونه خدا با اين كـار عظيم و اسـتثنايي، خـود را در ميـان يهوديـان و امتها جلال مي‌دهد.
ب) پولس اعلام مي‌كند كه خدا منشاء و سرچشمة «همه چيز» است. او نقشة نجات را طرح نمود و ما را براي خودش انتخاب كرد. خدا نجات ما را عملي ساخت و براي جلال خود ما را خلق نمـود و نجـات داد (ر.ش. اشعياء 43:7؛ كولسيان 1:16). با گفتن كلمة «آمين»، پولس رسول بـر تمـام آنچـه كـه گفتـه شد، مُهر تأئيد و صحت زده، مطالب آيات فوق را تائيد مي‌كند.

گام 4: كاربرد
ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي است كه مسيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را بـه كـار ببرند؟
در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميـان 11:1-36 فهرسـتي از كاربردهـاي احتمـالي تهيه كنيم.
ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟
يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيـد كـاربرد شخصـي‌تان را بـا ديگـران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشـيد كـه در گروههـاي مختلف، افـراد ممكن اسـت حقـايق متفـاوتي را بـراي كـاربرد شخصـي انتخـاب كننـد، يـا حـتي كاربردهـاي متفـاوتي را از يـك حقيقت اسـتخراج كننـد. ذيلاً فهرسـتي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
- 11:1؛ بدانيد كه خدا نقشه نجات در عهدعتيق را رد نكرده است. او ابتدا ايمان‌داران يهودي تبـار را نجات داد و وارد اسرائيل حقيقي نمود. و سپس ايمان‌داران غير يهودي را بـه اسـرائيل روحـاني و حقيقي اضافه كرده است. به اين ترتيب، اينك قوم خاص خدا از ايمان‌داران تمام ملـل و اقـوم اين عـالم تشـكيل گرديده است.
- 11:4؛ ايمان داشته باشيد كه حتي در حين سخت‌ترين جفاها در كشورتان، خـدا بـراي خـود بقيه‌اي نگاه خواهد داشت كه سر تعظيم و زانوي عبادت براي هيچ بت و خدايي به غير از خداي قـادر مطلـق خم نكرده و نمي‌كنند.
- 11:5-6؛ فيض خدا هر گونه تلاش بشري براي دستيابي به نجات را باطـل مي‌سـازد. تنهـا بوسـيله فيض خدا مي‌توان نجات يافت.
- 11:11؛ به ياد داشته باشيد كه زماني كه افرادي در كشـورتان لغـزش مي‌خورنـد و يـا از خـدا دور مي‌شوند، خدا ممكن است كه از اين امر به منظور نجات عدة ديگري استفاده نمايد.
- 11:14؛ پيروان عيسي مسيح بايد بكوشند كه به عوض تنفـر از يهوديـان و مسـلمانان و يـا پـيروان اديان ديگر، انجيل را موعظه كرده و به روش مسيحيايي زندگي كنند تا اينكـه روش زندگي‌شـان و شـادي آنها ديگران را به غيرت آورده زمينه را براي پذيرش انجيل عيسي مسيح فراهم سازد.
- 11: 18؛ ايمان‌داران غير يهودي نبايد از بي‌ايماني و لغزش يهوديان شادي كنند. برعكس ايشان بايد بدانند كه خدا عهد خود را ابتدا با ابراهيم و اسحاق و يعقوب منعقد ساخت.
- 11:20-23؛ تنها راه ورود به خانوادة خدا ايمان به عيسي مسيح است و تنها طريقي كـه كسـي از خانوادة خدا رانده مي‌شود، بي‌ايماني به مسيح مي‌باشد.
- 11:24؛ به ياد داشته باشيد كه «اهل كتاب» معمولاً به نجـات و ايمـان نزديكـتر هسـتند و راحت‌تـر بسوي عيسي مسيح جلب مي‌شوند.
- 11:25؛ مسيحيان بايد بدانند كه كار اسرارآميز خدا اين است كه او ابتدا يهوديان را انتخاب كرد تـا امتها را نجات بخشد و اينك از امتها براي نجات يهوديان استفاده مي‌كند. در آخر تعداد بي‌شماري از قبايل و ملتهاي مختلف پيرو عيسي مسيح خواهند شد.
- 11: 28؛ به ياد داشته باشيد كه كساني كه امروز با شما دشمني مي‌كنند، ممكن اسـت كـه فـردا جزو دوستان شما بشوند.
- 11:30؛ به ياد بياوريد كه زماني كه خدا شما را براي نجات دعـوت كـرد، دعـوتش برگشـت ناپـذير است. زماني كه خدا به شما نعمت ايمان، اميد و محبت را بدهد، آنها را پس نخواهد گرفت.

- 11:31-36؛ به ياد داشته باشيد كه تمام افرادي كه نجات يافته‌اند زماني در قيد گناهان خود اسير بوده‌اند و خدا آنها را به قوت خود نجات داده است.

كاربرد شخصي
- من مي‌خواهم كه در ايمان ثابت قدم باشم و بنابراين از شكست و لغزش و دوري از رحمت خدا نخواهم هراسيد.
- مي‌خواهم كه مدام از خدا بخاطر نجاتم شكرگزار باشم كه او كار نيكو را در من شروع كرد و من نجاتم را تماماً مرهون و مديون او مي‌باشم.

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 1:11-36 به ما آموخته است، دعا كنيم.
(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، در بارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)
5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه روميان 1:11-36 را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از روميان 1:11-36 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: منابع الهي، 4. قدرت خدا: اشعيا 41:10. هر روز 5 آيه حفظي آخر را مرور كنيد.
- آمادگي: مثل غلام بي‌منفعت لوقا 7:17-10. از روش گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.